

سیاست خارجی دونالد ترامپ نسبت به بحران سوریه و تهدیدات و فرصت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا داوطلب* - دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دکتر سید علی اصغر کاظمی زند - استاد تمام روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دکتر مهدی ذاکریان - دانشیار روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

چکیده

به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا، در مقام تهدید امنیتی برای بازیگران مختلف در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده است. این قاعده پیرامون منطقه خاورمیانه و در کانون آن کشور سوریه نیز مطرح می‌باشد و با توجه به اینکه ج.ا. ایران، پیرامون بحران سوریه سطحی بزرگ از منافع و ملاحظات امنیتی را دنبال می‌کند، رویکرد واشنگتن نسبت به موضوع بحران در این کشور، برای تهران از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. در همین راستا، در کلیت پژوهش حاضر، این پرسش اصلی مطرح شده که «راهبرد سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ، نسبت به بحران سوریه، در چه مؤلفه‌های قابل واکاوی هستند و رویکرد جدید آمریکا در این مقطع چه تهدیدات و الزامات امنیتی را برای ج.ا. ایران ایجاد می‌کند؟» جمهوری اسلامی ایران به دلیل درگیر بودن در عمق بحران سوریه، ضروری است در سطح منطقه‌ای همکاری‌های خود را با روسیه و ترکیه ادامه دهد. علاوه بر این، تداوم حضور ایران و افزایش نفوذ تهران در سوریه، امری حیاتی در مقابله با راهبرد ضدایرانی ترامپ در سوریه است.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، سیاست خارجی آمریکا، دونالد ترامپ، ج.ا. ایران، بشار اسد.

۱. مقدمه

آغاز بحران در کشور سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ رخدادی بود که کلیت معادلات منطقه‌ای را در خاورمیانه متاثر ساخت. ورود قدرت‌های بزرگ به این بحران، حمایت‌های نیابتی و حضور مستقیم آن‌ها در عرصه معادلات میدانی، بر پیچیده‌تر شدن هر چه بیشتر بحران افزود و زمینه را برای محوریت یافتن سوریه و آینده آن در معادلات منطقه‌ای و حتی کم‌وکیف مناسبات میان قدرت‌های جهانی فراهم کرد. با طولانی شدن بحران در سوریه، هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حوزه‌ای از نفوذ را برای خود تعریف و در تقابل با طرف‌های مقابل خود سطحی از منافع را تعیین کردند.

در این میان دولت آمریکا، یکی از اولین بازیگران فرامنطقه‌ای بود که با گذشت چند ماه از بحران سوریه، راهبرد ورود به عرصه را در پیش گرفت. در اولین رویکرد دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، حمایت نیابتی از نیروهای مخالف حکومت مرکزی سوریه یا به عبارتی، دولت بشار اسد را در پیش گرفت. در ادامه به واسطه اینکه بخش عمده نیروهای تحت حمایت آمریکا که اصطلاحاً ارتش آزاد (الجیش السوری الحر) نامیده می‌شدند؛ وابستگی فکری و سیاسی خود را به جریان‌های اسلام‌گرای رادیکال همانند جبهه‌النصره، احرار الشام و ... نشان دادند؛ واشنگتن مجبور به بازبینی در راهبرد خود شد و بخش عمده کمک‌هایش به این نیروها را قطع کرد.

با تمام این اوصاف، از اواخر سال ۲۰۱۴، پس از مقاومت سرسختانه کردهای سوری در شهر کوبانی (عین‌العرب) شاهد ایجاد مرحله‌ای جدید از سیاست‌ورزی واشنگتن در عرصه معادلات میدانی سوریه بودیم که می‌توان از آن به عنوان ایجاد اتحاد استراتژیک با کردهای سوریه و مدارا با محور روسیه، ایران و حکومت بشار اسد نام برد. حمایت‌های آمریکا از کردهای سوریه دستاوردهایی را در عرصه میدانی نیز به همراه داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به کنترل منطقه تل‌ابيض در شمال استان رقه، شهر منبج در شمال استان حلب، کنترل شهر رقه پایتخت داعش در سوریه و همچنین تصرف بخشی بزرگ از استان دیرالزور در شرق استان سوریه طی سال‌های

۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ اشاره کرد.

علی‌رغم پیشروی نیروهای تحت حمایت آمریکا تحت عنوان «نیروهای سوریه دمکراتیک» که در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۵ به واسطه خود این کشور ایجاد شده بودند، در محورهای دیگر بحران در سوریه تحولات بزرگی اتفاق افتاده بود. در میانه تمامی تحولات موجود، یکی از رخدادها مهم که می‌توان از آن به عنوان مرحله‌ای جدید از راهبرد سیاست خارجی آمریکا نسبت به سوریه یاد کرد در ارتباط پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. اظهارنظرهای ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی پیرامون مسائل مختلف جهانی، به‌ویژه بحران سوریه، تردیدها و پرسش‌هایی را پیرامون راهبرد احتمالی آمریکا نسبت به منطقه خاورمیانه و در کانون آن‌ها بحران سوریه کرد. متعاقب همین امر، راهبرد سیاست خارجی آمریکا پیرامون آینده بحران سوریه و تهدیداتی که پیرامون آن بر جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد می‌شود، در مقام مساله‌ای مهم مطرح شد.

با نظر به این تفاسیر، پرسش اصلی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که «راهبرد سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ، نسبت به بحران سوریه، در چه مؤلفه‌های قابل واکاوی هستند و رویکرد جدید آمریکا در این مقطع چه تهدیدات و الزامات امنیتی را برای ج.ا. ایران ایجاد می‌کند؟» در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی در ابتدای امر شرحی بر راهبرد سیاست خارجی ترامپ با محوریت بحران سوریه، ایراد شده و در ادامه مهم‌ترین ابعاد سیاست خاورمیانه‌ای دولت ترامپ نسبت به تحولات سوریه و بازیگران درگیر در آن مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت نیز با توجه به تهدیدات رویکرد سیاست خارجی ترامپ برای امنیت ملی و منطقه‌ای ایران، الزامات خاص در قالب چند محور برای دستگاه دیپلماسی ایران، مطرح شده‌اند.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت و روش در دسته تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار دارد. بنا به ضرورت موضوعی و روشی پژوهش، شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع به منابع مکتوب مانند کتاب، مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد و عمدتاً در جمع‌آوری

فاکت‌های (Fact) مورد نیاز پژوهش از متون کتاب‌ها و مقالات معتبر بهره گرفته شده است.

۳. مبانی نظری

تحلیل و تبیین سیاست خارجی دونالد ترامپ در سوریه و تهدیدات و فرصت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران پیش از هر چیزی نیازمند یک رویکرد نظری است، تا بتواند چهارچوب منسجمی برای فهم تئوریک این مساله به دست دهد. در میان طیف گسترده‌ای از نظریات روابط و سیاست بین‌الملل، آنهایی که بر مساله امنیت با نگاهی منطقه‌ای تمرکز دارند، به حوزه نظری مورد علاقه تحلیل‌گران بدل شده‌اند. در این میان مکتب کپنهاگ یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افق‌های جدیدی را در باب این مفهوم گشوده است. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای بر آن بیفزاید. «این نظریه بر خلاف نظریه‌های سنتی لیبرالیسم و واقع‌گرایی دارای دیدگاهی تنگ‌نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد و از سوی دیگر مانند نظریه‌های جدید (مانند نظریه‌های انتقادی و پست مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه‌های قدیمی نمی‌باشد» (Adami, 2012: 134).

در این میان، تعریف بوزان از امنیت کاملاً روشن است «امنیت رهایی از تهدیدات است» (Buzan, 1991: 18). در این راستا، بوزان امنیت را مفهومی «توسعه نیافته» دانسته و تلاش می‌کند یک تعریف دوباره مفهوم‌سازی شده از امنیت را ارائه دهد (Walt, 1992: 2013). فروپا شی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر نظام بین‌المللی، بوزان را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه پیشین خود، در ویرایش دوم کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را به شکلی مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (Buzan, 1991). این نظریه در واقع چهارچوبی مفهومی است که دربرگیرنده ساختارهای جدید امنیت بین‌المللی یعنی مناطق است و شامل مدلی از امنیت منطقه‌ای می‌شود که بر اساس آن می‌توان امکان تحلیل، تبیین و تا حدی پیش‌بینی تحولات درون هر منطقه را ایجاد کرد (Sedivy, 2004: 461).

مهم‌ترین بحث مکتب کپنهاگ نظریه‌ی امنیتی ساختن^۱ می‌باشد که بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگاری و واقع‌گرایانه قرار گرفته است. امنیتی ساختن به معنای خروج پدیده‌ها از حوزه «سیاست عادی» یا «سیاست‌های عمومی»^۲ و وارد کردن آنها به حوزه‌ی امنیتی است (Abdollah Khani, 2006: 491). این گونه نیست که مسائل مزبور به خودی خود امنیتی باشند و سپس برحسب ملاحظات امنیتی در مورد آنها صحبت شود. بنابراین، معنای دقیق و معیارهای امنیتی کردن، ایجاد بین‌الادّهانی یک تهدید وجودی به نحوی است که بتواند تأثیرات اساسی در عرصه‌ی سیاست داشته باشد (Ibid: 493). فرایند امنیتی ساختن در مکتب کپنهاگ شامل سه مرحله است: (۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ (۲) اقدام اضطراری و فوری؛ و (۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین‌واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک بناشده) به وسیله نقض قوانین امنیتی ساختن نیازمند درک از تهدید اصلی؛ توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع‌شده برای پاسخ به تهدیدات؛ و توانایی متقاعدکردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست (Javan Shahraki, 2013: 65-66).

برای بوزان یک منطقه‌ی امنیتی، «یک زیر سیستم (یا خرده نظام) مجزا و قابل توجهی از روابط امنیتی است که در میان مجموعه‌ای از کشورهایی که سرنوشت آنها به سمت مجاورت جغرافیایی با یکدیگر پیوند خورده است، وجود دارد». بوزان پنج ویژگی اصلی یک منطقه امنیتی را بیان می‌کند (Roehrs, 2005: 13). **اولاً**، وی معتقد است که یک منطقه امنیتی باید از دو یا چند دولت تشکیل شده باشد. مطابق با این معیار نمی‌توان یک مجموعه‌ی امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و موثر منطقه‌ای تصور کرد (Dandandish & College, Autumn 2010: 81). **ثانیاً**، دولت‌ها باید در مجاورت جغرافیائی نسبت به یکدیگر قرار گرفته باشند. در کنار اصل مجاورت مساله‌ی حضور قدرت‌های بزرگ نیز در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نکته‌ی حائز اهمیت است (Ibid: 140). **ثالثاً**، وابستگی متقابل امنیتی در داخل سطح منطقه‌ای، نسبت به سطح جهانی برجسته‌تر است. منظور از وابستگی متقابل امنیتی در این نظریه تأثیر و

1 Securitization Theory

2 Normal Politics

3 Public Politics

تأثر اعضای تشکیل‌دهنده مجموعه است (Abdollah Khani, 2006: 297). و در رابعاً، با توجه به تعریف بوزان، یک منطقه امنیتی، توسط الگوهای یافت شده در درون روش‌ها و تدابیر امنیتی تعریف شده است. در نهایت، بوزان با تفاوت قائل شدن میان معیار و پویای سیاسی و نظامی بر این باور است که عامل اقتصاد در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش دارد و در نتیجه می‌تواند بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای موثر باشد (Dandandish & College, Autumn 2010: 82). (Frazier et al, 2010: 732). دیگر ویژگی تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدها است که در آن «سوءظن» و ترس حاکم باشد (Buzan & Waeber, 2005: 40-89).

در چارچوب مجموعه‌های امنیتی یک سهم قابل توجه از سطح جهانی نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. برجسته‌ترین آنها تأثیراتی هستند که از طریق رفتار قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای رخ می‌دهند. این دولت‌ها می‌توانند نظم امنیتی از مجموعه امنیتی منطقه‌ای را در چهار شیوه کلی تحت تأثیر قرار دهند. نخست؛ این دولت‌ها می‌توانند دخالتی کم داشته و یا اصلاً هیچ دخالتی در مجموعه امنیتی منطقه نداشته باشند. دوم؛ این دولت‌ها می‌توانند ساختار منطقه‌ای را در خط مشی‌هایی که توزیع قابلیت‌ها را تغییر می‌دهند، تحت تأثیر قرار دهند. (برای مثال، کمک‌های نظامی اتحاد جماهیر شوروی به مصر نا‌صراً در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۷۲). سوم؛ این کشورها می‌توانند رفتار قدرت‌های منطقه‌ای را با روش‌هایی که می‌تواند اقدامات آنها را ترغیب، متوقف و یا معکوس کند، تحت تأثیر قرار دهند. (برای مثال، حمایت نظامی اتحاد جماهیر شوروی به آنگولا در مقابل آفریقای جنوبی). چهارم؛ قدرت‌های بزرگ خارج از منطقه، به طور مستقیم می‌توانند نظم امنیتی را تغییر دهند. (برای مثال، تعرض آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳) (Frazier et al, 2010: 734).

با عنایت به آنچه در خصوص مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ در چارچوب «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای» گفته شد، به منظور کاربست نظریه بر موضوع نوشتار می‌توان چند نکته را استخراج نمود و از آن‌ها برای تحلیل موضوع بهره برد. نخست، موضوع امنیتی کردن یا امنیتی سازی مسائل است. بدین معنا که در چارچوب زبانی سیاست خارجی دونالد ترامپ با امنیتی کردن مسائل، خصوصاً مساله سوریه و تحولات این کشور در خصوص حضور ایران در این کشور، یا مبارزه با داعش، تلاش دارد تا به مداخله در امور خاورمیانه به عنوان یک مجموعه امنیتی و سوریه به عنوان یک کشور از مجموعه امنیتی منطقه‌ای دست بزند. دوم، مساله دیگر در خصوص نظریه مجموعه‌های امنیتی و کاربست آن بر موضوع نوشتار در چارچوب تحول در نظم امنیت منطقه‌ای قرار دارد. بدین معنا که آمریکا تلاش دارد تا با بهره‌گیری از مفهوم امنیتی کردن و تلاش برای منزوی کردن و حتی اخراج ایران از سوریه، نظم امنیتی موجود را که با حضور قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران، ترکیه و عربستان و بین‌المللی همانند روسیه شکل رقابت در برخی حوزه‌ها و وابستگی و روابط در حوزه‌های دیگر است، برهم‌زده و این نظم را با کسب هزینه‌های تحول از عربستان و اعمار آن به نفع این کشور و تا حدودی ترکیه دگرگون نموده و ایران را منزوی نماید.

۴. یافته‌ها

در پژوهش پیرامون سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا پیرامون تحولات سوریه، توجه به مبانی دکتترین سیاست خارجی دونالد ترامپ ضروری بوده و پیاده‌سازی آن در ابعاد مختلف پیرامون بحران سوریه نیز بدون ارائه فهمی دقیق از دکتترین سیاست خارجی رئیس‌جمهور جدید آمریکا ممکن نیست. بر همین اساس، در بخش ابتدایی یافته‌های پژوهش دکتترین دونالد ترامپ در عرصه سیاست خارجی ارائه و در ادامه رویکرد دولت آمریکا در سال‌های بعد از ۲۰۱۷ نسبت به بحران سوریه و تهدیدات امنیتی آن برای ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. دکتترین سیاست خارجی دونالد ترامپ

بر اساس فضای سیاسی حاکم بر جامعه آمریکا، دکتترین نگاهی است که رئیس‌جمهور کشور می‌بایست پیرامون سیاست خارجی مورد نظر خود ارائه کند. برخی اوقات، رو س‌ای جمهوری

آمریکا دکترین‌های سیاست خارجی خود را به طور مشخص اعلام می‌کنند اما در برخی از مواقع، تحلیل‌گران و ناظران سیاسی الگویی را برای سیاست خارجی یک رئیس‌جمهور تبیین می‌کنند و نظریه‌ای را برای او مورد بازخوانی قرار می‌دهند. در هر دو این شرایط، دکترین می‌بایست با توجه به واقعیت‌های موجود و تصمیمات اتخاذ شده رئیس‌کاخ سفید در حوزه سیاست خارجی طرح شود (Friedman, 11 July 2018).

ارائه دکترین از سوی یک رئیس‌جمهور آمریکا هیچگاه بدین معنا نیست که اصول آن به صورت کامل اجرایی می‌شود. در برخی از مواقع همانند دوران ریاست جمهوری هری ترومن^۱ (۱۲ آوریل ۱۹۴۵ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۵۳) در اجرایی کردن دکترین خود موفق بود اما ریچارد نیکسون^۲ که از ۲۰ ژانویه ۱۹۶۹ تا ۹ آگوست ۱۹۷۴، رئیس‌جمهوری آمریکا بود، در حوزه اروپا و شرق آسیا هیچگاه دکترین خود را در معرض آزمون قرار نداد. همچنین، در اجرای دکترین سیاست خارجی هر رئیس‌جمهوری در آمریکا میزانی از تصادفی بودن در تصمیمات و دگرگونی در سیاست‌ها بر اساس مقتضیات وجود دارد (Ibid). با نظر به تمامی این تفاسیر، اکنون در ادامه مبحث حاضر دکترین سیاست خارجی دونالد ترامپ با توجه به اصول ارائه شده رسمی، تحلیل ناظران سیاسی و نیز میزانی از کنش‌های شخصی او ارائه می‌شود.

بر همین مبنا، می‌توان با اندکی تسامح رویکرد سیاست خارجی ترامپ را نوعی بازگشت به «دکترین مونرو»^۳ ارزیابی کرد که البته ترامپ عنوان «دکترین میهن‌پرستی»^۴ را برای آن برگزیده است. این دکترین در اساس، نشان‌دهنده مشی یک جانبه‌گرایی و انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ است. انزواگرایان خلاف بین‌الملل‌گرایان موافق اولویت‌دادن به اهداف ملی به جای اهداف بین‌المللی، تمرکز بر کشورهای و مناطق خاص جغرافیایی، ایفای نقش رهبری محدود و یک‌جانبه، مخالف درگیرشدن در امور بین‌الملل، طرفدار غیرنظامی‌گرایی و غیرمداخله‌گرایی (و نه ضدنظامی‌گرایی یا ضدمداخله‌گرایی) و نهایتاً مخالف سرسخت جهانی

1Harry S. Truman

2Richard Nixon

3Monroe-Doctrine

4Patriotism Doctrine

شدن (در حوزه اقتصاد) محسوب می‌شوند. از دید آن‌ها، تعهدات خارجی هزینه‌هایی جدی در داخل به همراه دارد. همچنین، آمریکا هیچ الزامی برای قبول تعهدات اخلاقی در خارج از کشور ندارد؛ چرا که تعهدات بین‌المللی بر وظایف دولت در داخل کشور تأثیر منفی می‌گذارند (Callahan, 2008: 104 by Soleimanzadeh, Autumn 2018: 6-7). با تمام اوصاف برای شناخت ابعاد دکتترین میهن‌پرستی دولت آمریکا در دوران ریاست دونالد ترامپ بر کاخ سفید، می‌توان چهار محور اساسی را مطرح نمود.

۱. تاکید بر اجرایی کردن شعار «نخست آمریکا»

اولین و شاید مهم‌ترین محور دکتترین سیاست خارجی دونالد ترامپ را می‌توان تاکید او بر شعار «نخست آمریکا» ارزیابی کرد. در واقع، او بر این باور است که آمریکا طی چند سال گذشته به سوژهای برای تمسخر (جوک) در سراسر جهان تبدیل شده و دیگر خبری از عظمت و اقتدار آمریکایی نبوده است (Hennigan, 25 September 2018). در نتیجه او این رسالت را برای خود قائل است که کم‌کاری‌ها و ضعف‌های روسای جمهوری پیشین خود را جبران و پرستیژ و جایگاه مقتدرانه آمریکا را که در سال‌های بعد از جنگ سرد تضعیف شده، تقویت نماید و کشور خود را بدون توجه به درخواست‌های متحدان و قواعد امره بین‌المللی به جایگاه شایسته خود رهنمود کند.

ترامپ شعار نخست آمریکا را در قالب نوعی ملی‌گرایی افراطی که با یک‌جانبه‌گرایی همراه است طرح کرده است. از نظر ترامپ اصل «نخست آمریکا» باید چراغ راهنمای سیاست خارجی کشور باشد. بلوک غرب به عنوان یکی از ستون‌های دنیای پس از جنگ جهانی دوم معنای خود را از دست داده است (Goldberg, 2017 by Yazdan Fam, Winter 2015: 149).

یکی دیگر از محورهای «نخست آمریکا» را می‌توان در اولویت دادن منافع ملی این کشور بر نهادها و قواعد بین‌المللی دانست. در همین راستا، ترامپ در سخنرانی خود در سازمان ملل (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸) از معاملات تجاری به عبارت او نامناسب و موافقت‌نامه‌های دیگری که در آن دیگر کشورهای جهان از آمریکا بهره‌برداری می‌کنند، تاخت و تاکید کرد: «ایالات متحده از استقلال و حاکمیت خود در برابر سلطه جهانی و نهادهای سازمان ملل نظیر دادگاه بین

المللی کیفری^۱، شورای حقوق بشر^۲ و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد^۳ دفاع خواهد کرد» (Alexander, 25 September 2018). در واقع، ترامپ در صدد است منافع مالی و ژئواستراتژیک آمریکا و ارتباط دو جانبه با متحدان این کشور را به حداکثر برساند. او ایده خود در حوزه سیاست خارجی را تحت عنوان «نخست آمریکا» مطرح می نماید. به عبارت دیگر، آمریکا برای دفاع از آزادی و دموکراسی در نزاع‌های خارجی دخالت نمی کند، بلکه به دنبال تقویت خود در داخل کشور است (Cherkaoui, 23 August 2016).

۲. ممانعت از درگیری نظامی و رویکرد اقتصادی تهاجمی

دیگر بُعد دکتین سیاست خارجی ترامپ را می توان اولویت دادن او به تقابل اقتصادی در مقابل بهره گیری از نظامی گری است. در حقیقت، دکتین ترامپ را می توان نوعی سیاست برای خنثی کردن شرایطی دانست که ممکن است به اقدامات نظامی نیاز داشته باشد اما بر خلاف این رویکرد سیاست اقتصادی تهاجمی را در برابر با جامعه بین الملل در نظر دارد. با این وجود، رئیس جمهور آمریکا همانند اسلاف خود در کاخ سفید، حضور نیروهای نظامی این کشور در نقاط مختلف جهان را همچون امری دیکته شده پذیرفته است. نیروهای نظامی ایالات متحده در خاورمیانه حضور فعالی دارند؛ در لهستان و رومانی به طور گسترده برای مقابله با تهدیدات بالقوه روسیه مستقر شده اند. ارتش آمریکا در مانورهای نظامی دریای چین جنوبی مشارکت دارد و حتی آمادگی لازم را برای حمله محتمل به کره شمالی دارند (Kirby, 26 September 2018). اما تمامی این مسائل، بر اساس دیدگاه دونالد ترامپ بیشتر حالت بازدارنده و فراهم کردن شرایط برای عدم وقوع درگیری را دارد.

در واقع، منشأ سیاست های اعلانی و اعمالی ترامپ به لحاظ مجموعه باورها قبل از هر چیز به نگرش اقتصادی او بر می گردد. حتی گفته می شود، رهیافت ترامپ در خاورمیانه ترکیبی از نظامی گری با ناسیونالیسم اقتصادی است (Mossalanejad, 2018: 38). در راستای همین

1International Criminal Court

2Human Rights Council

3Un High Commissioner For Refugees

قاعده، ترامپ بر خلاف رویکرد چند دهه‌ای حاکم بر سیاست خارجی آمریکا، روسیه را در مقام یک قدرت بین‌المللی و ضامن همکاری برای مبارزه با تهدیدات جهانی در نظر دارد. در واقع، از نظر ترامپ روسیه متحد طبیعی آمریکا در مبارزه با تروریسم در جهان است؛ پوتین رهبری مقتدر و قابل احترام است و آمریکا باید به دنبال بازسازی روابط با مسکو و گسترش آن باشد؛ واشنگتن این آمادگی را دارد که در سوریه با مسکو همکاری نزدیکی داشته و به صورت متحد به جنگ با افراط‌گری برونند؛ در اوکراین و سایر مناطق جهان همکاری دو کشور می‌تواند بسیار مفید و موثر باشد (DeYoung & Rucker, 2017).

بر خلاف حوزه سیاسی، در حوزه اقتصادی و تجارت جهانی، ترامپ یک ناسیونالیست اقتصادی و به سخن دیگر یک مرکانتیلیست تمام‌عیار است که به افزایش همگرایی‌های اقتصادی و بازرگانی گرایش ندارد و بر عکس، بیشتر در پی واگرایی بازرگانی است. مخالفت او با نفتا هم از همین دیدگاه مایه می‌گیرد. در زمینه بازرگانی خارجی، دیدگاه‌های او با دیگر جمهوری خواهان چندان همسو نیست. او افزایش همگرایی آمریکا با بلوک‌های اقتصادی و بازرگانی را باعث تضعیف اقتصادی ایالت متحده آمریکا و تحمیل هزینه‌های بیهوده و گزاف به شهروندان آمریکایی می‌داند (Walt, 14 November 2016).

در راستای همین راهبرد، ترامپ در زمینه اقتصادی و مبادلات تجاری با قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان خواستار بازبینی در «تراز تجاری» کنونی شده و از طریق اعمال تعرفه‌های تجاری بر صادرات دیگر طرف‌ها به آمریکا، خواهان بازبینی در کلیه روند کنونی شده است. در همین راستا، شاهد هستیم که ترامپ بر ۲۰۰ میلیارد دلار کالای چینی تعرفه اعمال کرده و در سطحی محدودتر به ویژه در زمینه آلومینیم و فولاد، بر اتحادیه اروپا، کانادا، مکزیک و... تعرفه اعمال کرده است. در ارتباط با این تحریم‌ها جان کاسیدی^۱ کارشناس مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بر این باور است که «تعرفه‌های ترامپ بر کالاهای چینی و نیز اقدام متقابل چین برای اعمال تعرفه بر حدود ۶۰ میلیارد دلار کالای آمریکا، می‌تواند منجر به جنگ تجاری بزرگی بی‌سابقه‌ای شود که هیچگاه قبلاً دیده نشده و می‌تواند پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی به همراه

¹John Cassidy

داشته باشد (Cassidy, 19 September 2018).

همچنین، موریس او ستفلد، اقتصاددان ارشد صندوق بین المللی پول، بر این باور است که جنگ تجاری میان دو اقتصاد بزرگ جهان، وضعیتی را پیش خواهد آورد که همه گان از آن رنج می‌برند. در صورت ادامه این جنگ تجاری، رشد اقتصاد جهانی «حدود یک درصد» کاهش می‌یابد (Ward, 9 Oct 2018). در ارتباط با منطقه خاورمیانه نیز منطق اقتصادی و اولویت آن بر درگیری نظامی تا حدود زیادی کاربردی شده است. در همین راستا، ترامپ بارها بر ضرورت پرداختن هزینه‌های حضور آمریکا در بحران‌های خاورمیانه تاکید کرده است. همچنین، ترامپ با تاکید بر روش اشتباه روسای جمهوری قبل از خود، به ویژه جرج بوش، آن‌ها را عامل صرف چند هزار میلیارد از بودجه آمریکا می‌داند. لذا می‌توان رویکرد اقتصادی ترامپ در خاورمیانه را ممانعت از ایجاد جبهه بحران و جنگ جدید و باج‌خواهی از متحدان خود ارزیابی کرد.

۳. راهبرد موسوم به «دکترین خروج»:

بخش سوم از دکترین سیاست خارجی دونالد ترامپ را می‌توان بر اساس اصل «دکترین خروج» که اساساً در برابر راهبرد بین‌الملل‌گرایی لیبرال و بخشی پیشرفته از انزوگرایی آمریکایی است، قابل تحلیل و بررسی است. در واقع، سیاست خارجی ترامپ تخریب «بین‌الملل‌گرایی» است؛ ایده‌ای که از سال ۱۹۵۰ م به بعد پایه و اساس ایدئولوژیک سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می‌دهد. ترامپیسم یک جریان فکری و سیاسی است که در بعضی از جوامع لیبرال (مثل ماری لوپن در فرانسه و گریت ویلدر در هلند) از آن‌ها حمایت شد. ترامپیسم در واقع نوعی انزوگرایی است که در مقابل لیبرالیسم قرار می‌گیرد. خارج شدن آمریکا از پیمان آب‌وهوایی پاریس، پیمان ترانس پاسفیک، سیاست‌های ملی‌گرایانه «نخست آمریکا»، حمایت‌گرایی اقتصادی و... نوعی انزوگرایی خود خواسته است (KarimifardAutumn 2018: 5).

در همین ارتباط، ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی وزارت خارجه آمریکا، تاکید

1 Maurice Obstfeld

2 The International Monetary Fund (Imf)

می‌کند: «سیاست خارجی ترامپ مضمون خود را پیدا کرده است و آن «دکترین خروج» است. آمریکا قراردادهای مهم بین‌المللی را یا ترک کرده است یا تهدید کرده است که از آن‌ها خارج می‌شود از جمله پیمان ترنس پاسیفیک، توافق پاریس، نفتا، برجام و یونسکو» (Haass, 2017). دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در هفتاد و سومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل تأکید کرد که «آمریکا تحت کنترل آمریکایی‌ها است و او جهانی شدن را رد می‌کند و بر میهن پرستی آغوش می‌گشاید» (Kirby, 26 September 2018). این سخنان به وضوح تأیید کننده رویکرد او نسبت به خروج از تعهدات و نهادهای بین‌المللی است.

در زمینه خاورمیانه نیز، ترامپ بر این باور است که ضرورتی به حضور پرهزینه و نظامی گسترده آمریکا در این منطقه وجود ندارد و حتی در دوران رقابت‌های انتخاباتی چندین نوبت تأکید کرد که خاورمیانه کم‌ترین اهمیت ممکن را برای او دارد. با وجود تأکید ترامپ بر خروج از خاورمیانه و کاهش تعهدات و اشتگتن نسبت به متحدان منطقه‌ای خود، «اما واقعیت این است که منافع ملی، اهداف و استراتژی دراز مدت ایالات متحده در خاورمیانه، راهبردی است که همه دولت مردان ایالات متحده، بالاخص از چند دوره گذشته همواره آن را دنبال کرده‌اند و عدم توجه به این منطقه حساس و بحران خیز، به ضرر منافع ایالات متحده و برخلاف امنیت ملی این کشور است و تغییر استراتژی در اهداف این کشور بعید به نظر می‌رسد. در مورد اهمیت خاورمیانه باید متذکر شد کشورهای بزرگی چون ایالات متحده متوجه این موضوع شده‌اند که بخشی از مشکلات خاورمیانه ناشی از اقدامات آنهاست و بی‌توجهی به مشکلات این منطقه، در نهایت برای آنها نیز مشکلاتی ایجاد خواهد کرد» (Torabi, 2013).

۴. ویژگی‌های شخصیتی و روانی ترامپ و تأثیرات آن بر راهبرد سیاست خارجی آمریکا

علاوه بر سطوح سه‌گانه مورد تحلیل در شناخت ابعاد سیاست خارجی دونالد ترامپ، یکی دیگر از سطوح قابل توجه در پی بردن به دکترین او را می‌توان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی‌اش مورد بررسی قرار داد. واقعیت این است که برخلاف تمامی تصوراتی که

پیرامون قدرت چشم‌گیر نهادها در آمریکا مطرح می‌شوند و فرد (کارگزار) در مدیریت و اتخاذ راهبردها کم‌رنگ جلوه داده می‌شود، عملکرد و کنش‌های دونالد ترامپ طی دو سال گذشته نشان داده که تا چه اندازه، فرد و ویژگی‌های روانی او می‌تواند در دگرگون کردن وضعیت و اتخاذ راهبرد تاثیرگذار باشد. بنابراین، بررسی ابعاد روانشناختی دونالد ترامپ برای فهم راهبرد سیاست خارجی دولت آمریکا در زمان ریاست او بر کاخ سفید از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. در نگاه اولیه، دونالد ترامپ شخصی مستحکم و خالی از هر گونه اضطراب یا عصبانیت نشان می‌دهد اما اولین بارزه شخصیت او را می‌توان «شخصیت از خود را ضعیف» دانست که تمایلی به شنیدن بازخوردهای - به ویژه بازخورد منفی - از دیگران را ندارد (Sherma, 17 Sep 2015). این بارزه شخصیتی در سطح نگاه به واکنش سیاست‌مداران جهان به ترامپ نیز بسیار قابل تامل است. بدین شرح که کشورها یا سیاسیونی که بازنمایی منفی از او ارائه می‌دهند، به‌طور حتم مورد خشم او واقع می‌شوند و احتمالاً در سطوح مختلف انتقام در سطوح مختلف را در دستور کار قرار می‌دهد. این مشخصه حتی در خوانش او از استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز تاثیری چشم‌گیر دارد؛ به گونه‌ای که ترامپ قصد دارد همواره نقش اصلی را بر عهده داشته باشد و مشاوران‌اش در مسائل پیچیده امنیتی به او کمک کنند (Goodarzi, Soheil & etc, 2018: 221).

دیگر بُعد مهم شخصیت دونالد ترامپ را می‌توان در انجام رفتارهای هیستریک و واکنشی مورد تحلیل قرار داد که عملاً او را به شخصیتی «غیرقابل پیش‌بینی» تبدیل کرده است. اتخاذ تصمیمات لحظه‌ای و نیز نگارش توثیقات فراوان زمینه بی‌اعتمادی به او را ایجاد کرده است. همچنین، علاوه بر شکیبان بودن، دونالد ترامپ به شخصیت‌های محدودی در اطراف خود اعتماد دارد و ملاک «میهن‌پرست بودن» را معیار میزان نزدیکی خود با افراد مختلف قرار می‌دهد (exploringyourmind.com, 2 April 2018). این بُعد از شخصیت دونالد ترامپ موجب شده که تئوری «بازیگر دیوانه» را در مورد رفتارهای دونالد ترامپ به کار بگیرند.

یکی دیگر از ابعاد شخصیت دونالد ترامپ را می‌توان در شخصیت رقابت‌جو او مورد تحلیل قرار داد. ترامپ بر اساس ویژگی‌های روانی خود همواره می‌خواهد برنده باشد و با این نگاه

حتی کارکنان و نزدیکان به خود را نیز در نقش رقیب ارزیابی می‌نماید (Sherma, 17 Sep 2015). بر اساس همین قاعده، ترامپ اهل مشورت با ساختارهای سیاسی اطلاعاتی و فکری در آمریکا نیست و به شدت ضد ساختار و خودمحور است. از این نظر دست‌کم چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا فردی استثنایی در کاخ سفید به شمار می‌آید. این باعث شده تا خطوط اصلی سیاست خارجی آمریکا به شدت کدر و مبهم باشد (Yazdan Fam, Winter 2016: 95). در مجموع، این ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ می‌بایست در تحلیل راهبرد خاورمیانه‌ای او، به ویژه برای چگونگی تعامل و تقابل سیاستمداران ایرانی با ترامپ دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشد.

۴-۲. سیاست خارجی دولت ترامپ نسبت به بحران سوریه

۴-۲-۱. دولت سوریه و نقش آن در معادلات میدانی کشور و رویکرد دولت ترامپ به آن

بهار عربی که یک سال پیش از آغاز بحران سوریه، کشورهای عربی منطقه را درنوردیده بود، خزان خود را به سوریه رساند، اعتراضات دموکراتیک در مارس ۲۰۱۱، در شهر جنوبی درعا، به واسطه‌ی نقاشی‌های چند جوان بر دیوارهای مدارس شروع شد. اما از آن هنگام که نیروهای امنیتی دست به آتش بر روی معترضان گشودند و تنی چند را کشتند، عده‌ی بیشتری به خیابان‌ها ریختند (BBC, 11 march 2016)، و هر روزه بر عمق خشونت‌ها افزوده شد.

در این میان، علاوه بر برخورداری بشار اسد از پشتوانه منطقه‌ای (جمهوری اسلامی ایران) و بین‌المللی (روسیه)، در فضای داخلی کشور، اسد برای مواجهه با تحولات بحرانی پس از ۲۰۱۱ و نیز تا به امروز، یک سری از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی را در عرصه معادلات میدانی با خود همراه نمود، که توانسته وی و دولت این کشور را از موضع شکننده و ضعیف به نیروی قدرتمند و اصلی در این کشور بدل نماید. از همان سال ۲۰۱۲ به مانند گروه‌های شبه‌نظامی مخالف اسد و رادیکال‌های اسلامی، در سوریه گروه‌هایی تشکیل شده‌اند که حامی بشار اسد بوده و برای حفظ قدرت او به مقابله با مخالفان می‌پردازند. یکی از نیروهای حامی اسد،

شبه‌نظامیان "شبیحه"^۱ هستند. این نیرو شامل بسیاری از خانواده‌های ارتشی، بعضی‌های معتقد، اجتماعات مذهبی اقلیت، برخی قبایل سنی عرب و دیگر نیروهای منتفع از وابستگی به اسد است (Lund, Jan. 22, 2016). علاوه بر این، نظامیان حزب‌الله لبنان از معروف‌ترین و احتمالاً مهم‌ترین این گروه‌هاست اما آن تنها نیرو نیست. جریان‌های نظامی عراقی که در قالب گردان حیدریون معروف‌اند نیز جنگ‌جویان خود را به سوریه گسیل داشته تا از اسد حمایت نمایند (Iid). در این میان دو نیروی دیگر شیعی که زیر پرچم حزب الله به فعالیت نظامی در سوریه می‌پردازد، شامل گردان فاطمیون^۲ و گردان زینبیون^۳ هستند. گردان فاطمیون شامل افغان‌های شیعی حامی اسد است که برآورد تعداد آنها در منابع مختلف بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر است و گردان زینبیون نیز شیعیان پاکستانی حامی اسد هستند که برآوردی دقیق از تعداد آنها وجود ندارد (Heistein and West, November 20, 2015).

با تمام این اوصاف، از ابتدای بحران سوریه دولت آمریکا را می‌توان در محور مخالف دولت بشار اسد (حکومت مرکزی سوریه) قرار داد. با این وجود پس از پایان دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، با توجه به اظهارات دونالد ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی با رقیب دموکرات خود، به نظر می‌رسید سیاست واشنگتن در سوریه با تغییراتی بزرگ همراه خواهد شد. به‌ویژه مساله خروج آمریکا از سوریه در مقام فرضیه‌ای جدی مطرح شد. در حقیقت، نکته مهم در طول مبارزات انتخاباتی ترامپ در ارتباط با بحران سوریه این بود که او دخالت در سوریه را رد و خواهان تغییر حکومت اسد نبود. حتی با گذشت دو ماه از دوره ریاست جمهوری ترامپ، دستگاه دیپلماتی ترامپ در سازمان ملل هر گونه دخالت نظامی آمریکا در سوریه را رد و خواهان گفتگو و مذاکره نیروهای مبارز سوری با حکومت اسد بود (Beauchamp, 2017). با تمام این اوصاف، رویکرد ترامپ نسبت به دولت بشار اسد را می‌توان در سه محور اصلی مورد ارزیابی قرار داد.

1Shabiha

2Hezbollah

3Fatemiyoun

4Liwa Zainabiun

گذار از رویکرد تغییر رژیم به هر قیمتی: اولین رویکرد دستگاه دیپلماسی آمریکا در قبال سوریه را می‌توان کنار گذاشتن، راهبرد دولت باراک اوباما مبنی بر ضرورت کناره‌گیری و پایان دادن به قدرت بشار اسد تحت هر شرایطی ارزیابی کرد. در دوران قبل از ترامپ، وا شنگتن با وجود انفعال و عدم مداخله جدی در بحران سوریه، اصل گذار از اسد را همواره دنبال می‌کرد اما بعد از روی کار آمدن ترامپ این استراتژی در حاشیه قرار گرفت. در واقع، سیاست خارجی ترامپ در قبال تغییر بشار اسد تابع منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور است به طوری که سیاست خارجی اعمالی ترامپ تا زمانی که خطر داعش و القاعده در سوریه و عراق وجود دارد و تحولات میدانی موجب برتری حداکثری هیچ یک از طرفین نباشد و همچنین تا پیدا شدن یک آلترناتیو مناسب و کاربردی برای جانشینی نظام کنونی، ترامپ حفظ وضع موجود و به تعبیر دیگر مدیریت آشوب را در پیش خواهد گرفت (Islamic Republic News Agency, March 31, 2017). به عبارتی، دولت جدید آمریکا متمایل است تا بدون تخریب بیشتر زیرساخت‌های نظامی - امنیتی سوریه، گفتگوها منجر به یک دولت انتقالی در سوریه شود تا گروه‌های جهادی نتوانند از تضعیف قدرت نظامی - امنیتی سوریه استفاده و به تقویت موقعیت خود در این کشور آشوب‌زده بپردازند. (Beauchamp, 2017).

بی‌توجهی به ضرورت ترویج دموکراسی و حقوق بشر در سوریه: باراک اوباما در نگاه خود به عرصه تحولات سیاسی سوریه، دیدگاهی آرمان‌گرایانه را پی‌گیری می‌کرد که در اساس آن احترام به حقوق بشر و دموکراسی اصلی خدشه‌ناپذیر بود که دولت آمریکا می‌بایست در نهایت آن را در سوریه دنبال کند. بر اساس همین منطقه، پذیرش وضعیت موجود و حکومت بشار اسد به عنوان نماینده ضدیت با دموکراسی برای او قابل پذیرش نبود. بر خلاف رئیس‌جمهور سابق آمریکا، دونالد ترامپ اعتقادی به ارتقای دموکراسی، ایجاد ملت جدید و پناه دادن به قربانیان تروریسم در سوریه از سوی آمریکا و متحدانش، ندارد (Schake, 16 Apr 2018).

این رویکرد دونالد ترامپ نسبت به بحران سوریه به طور کامل نوع تعامل وا شنگتن به دولت بشار اسد را نیز تعیین می‌کند. در واقع، ترامپ رسیدگی به امور سوریه و ضرورت حمایت از

آوارگان سوری، قربانیان جنگ و پایان دادن به حکومت اسد را از اولویت‌های واشنگتن خارج کرده است. در همین راستا، دونالد ترامپ در ۳۱ مارس ۲۰۱۸ در سخنرانی خود در جمع کهنه سربازان آمریکایی، که واکنش‌های زیادی را در سطح داخلی جامعه آمریکا و نیز در سطح بین‌الملل به همراه داشت، تاکید کرد: «ما از سوریه بیرون می‌شویم و می‌گذاریم بقیه به وضعیت رسیدگی کنند» (دویچه وله، ۳۱ مارس ۲۰۱۸). این رویکرد دونالد ترامپ، در عرصه میدانی نیز تأثیری جدی بر پیشروی‌های نظامی ارتش سوریه برجای گذاشت. به گونه‌ای که در یک سال گذشته کلیه مناطق جنوبی و بخشی بزرگ از مناطق شرق سوریه توسط نیروهای حکومت مرکزی با چراغ سبز غیرمستقیم آمریکا از سوی دمشق کنترل شده است.

محدود کردن فزاینده دخالت‌های نظامی آمریکا در سوریه و منطقه: مهم‌ترین بُعد اشتراک سیاست خارجی دونالد ترامپ با باراک اوباما نسبت به سوریه را می‌توان در اعتقاد آن‌ها به بهره‌گیری محدود و ذره‌ایی از قدرت نظامی ارتش این کشور در کلیست منطقه خاورمیانه و بحران سوریه دانست (Schake, 16 Apr 2018). با این وجود، ترامپ برای نشان دادن وجهه و پرستیژ آمریکایی که در روانشناسی شخصی خود به آن باور دارد، نمی‌تواند همانند اوباما نسبت به گذار از «خط قرمز» این کشور در سوریه گذر کند. در سال ۲۰۱۳ انفعال آمریکا در برابر حمله شیمیایی که به دمشق انتصاب داده شد، موجی از سرخوردگی را در میان سیاستمداران جمهوری خواه ایجاد کرد اما ترامپ در ارتباط با این موضوع به هیچ عنوان حاضر به کوتاه آمدن نبوده است. در همین راستا، دولت آمریکا در واکنش به استفاده از سلاح شیمیایی در تاریخ هفتم آوریل ۲۰۱۷ در شهرک خان شیخون استان ادلب سوریه که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر شد، انگشت اتهام را به طرف ارتش تحت فرمان اسد گرفت و دولت اسد را مسئول این حمله شیمیایی معرفی کرد. دولت ترامپ سه روز بعد از حمله شیمیایی به طور ناگهانی در پاسخ به این حمله از طریق ناوگان نیروی دریایی ایالات متحده در دریای مدیترانه، ۵۹ موشک تاماهاوک به پایگاه هوایی سوریه در حومه شهر حمص پرتاب نمود که باعث تخریب بخشی از این پایگاه و کشته شدن هشت نفر گردید (Sajedi, Amir, Winter, 2013).

همچنین، در کنش‌های دیگر، پس از آنکه در اوایل آوریل ۲۰۱۸ حمله شیمیایی که منبع آن مشخص نبود، در شهر «دوما» از ریف دمشق اتفاق افتاد، این بار ترامپ با همراهی دولت‌های انگلستان و فرانسه، بیش از ۱۰۰ موشک را به سمت پایگاه‌های نظامی حکومت مرکزی سوریه شلیک کردند. در ابتدای امر گستره این حملات، از سوی روسیه و متحدان دولت اسد در مقام تهدیدی جدی تلقی شد اما در عمل شاهد بودیم که این تهاجم موشکی بیشتر جنبه نمادین و پرستیژی داشت (Theguardian, 14 apr 2018). در ارتباط با این موضوع، کوری شاک معاون مدیر «موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک» بر این باور است که دونالد ترامپ هر چند در بُعد نظامی و امنیتی به نوعی راهبرد او با ما را ادامه داده اما او بر خلاف رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، جرات دو بار حمله کردن به مواضع ارتش سوریه در نزدیک پایگاه‌های نظامی روسیه را به خود داده است و نشان داده در شرایط جدید نیز می‌تواند این اقدام را مجدداً تکرار نماید (Schake, 16 Apr 2018).

۴-۲-۴. کردهای سوریه و مناسبات سیاسی - نظامی آمریکا در دوران ترامپ با آنها

آغاز بحران سوریه و دامنه‌دار شدن آن که هم‌زمان با ضعف ارتش اسد، زمینه را برای تحرک سیاسی و نظامی کردها در سوریه فراهم نمود. کردها در قالب دو نیروی نظامی اصلی یگان‌های مدافع خلق^۳ و یگان‌های مدافع زنان؛^۴ ذیل نیروی سیاسی حزب اتحاد دموکراتیک^۵ (البته جبهه‌ی سیاسی دیگر در کردستان سوریه وجود دارد تحت نام شورای ملی کردی^۶ سوریه که متشکل از چندین حزب کرد سوریه است)، به تدارک نظامی و سیاسی پرداخته و در سال ۲۰۱۲ موفق به ایجاد منطقه‌ای خودگردان^۷ تحت کنترل خود شدند (Salimi and Valadbaigi, November 11, 2015). هم‌زمان با اوج‌گیری بحران و تشدید جنگ داخلی در سوریه، بشار

1 Kori Schake

2 International Institute For Strategic Studies

3 People's Protection Units Or Yekîneyên Parastina Gel (Ypg)

4 Women's Defence Forces Or Yekîneyên Parastina Jin (Ypj)

5 Democratic Union Party Or Partiya Yekîtiya Demokrat, Pjd

6 Kurdish National Council

7 Autonomous

اسد که خود را در برابر چندین نیروی مخالف می‌دید، در تابستان ۲۰۱۲ تصمیم گرفت نیروهای خود را از مناطق کردنشین بیرون کشیده، تا جایگاه خود را در سنگرهای استراتژیک، مستحکم نماید (Talebirani, and Zarinenerges, Summer 2016).

با آغاز نبرد میان نیروهای یگان‌های مدافع خلق و جبهه‌الذصره^۱ یا جبهه‌ی فتح الشام^۲ (که در آن زمان با داعش همکاری می‌نمود) در سال ۲۰۱۳، کردستان سوریه نیز به یکی از اصلی‌ترین مناطق صحنه‌ی خشونت پس از سال ۲۰۱۰ مبدل گردید، که کردها را با اولین آزمون حیاتی جهت دفاع از مناطق‌شان مواجه نمود (طالبی‌آرانی و زرین‌نرگس، ۱۳۹۵). دفع تهدید النصره، آغاز جنگی بزرگ‌تر در سال بعد بود؛ زمانی که حرکت کردها به سمت تحکیم موقعیت‌شان شتاب گرفت، نیروهای دولت اسلامی، حملات نظامی خود علیه کردهای سوریه را آغاز کردند (زرین‌نرگس، ۴ مهر ۱۳۹۴؛ سایت الوقت) که با محاصره شهر کوبانی برای چندین ماه و مقاومت کردها در این شهر همراه شد.

پس از شکستن محاصره کوبانی و شروع پیشروی‌های کردها، آنها برای جلب حمایت بین‌المللی و نیز افزایش مشروعیت خود، زمینه را برای اتحاد میان خود و دیگر نیروهای نظامی فراهم نمودند، این اتحاد به نیروهای سوریه دموکراتیک^۳ معروف شد. نیروهای سوریه دموکراتیک، حاصل اتحاد میان کردها و اعراب سنی، آشوری‌ها، ترکمان‌ها^۴ و ارمنیان^۵ است که در اصل یک نیروی پیشرو در تحولات سوریه است و تحت کنترل کردها قرار داد و در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵ تشکیل شده است (Lund, Jan. 22, 2016). با تمام این اوصاف، سیاست خارجی آمریکا در دوران دونالد ترامپ نسبت به کردهای سوریه را می‌توان در قالب سه محور مورد خوانش قرار داد.

1Jabhat Al-Nusra

2Jabhat Fateh Al-Sham

3Syrian Democratic Forces (Sdf)

4Assyrian

5Turkmen

6Armenians

افزایش حمایت‌های نظامی از نیروهای دموکراتیک سوریه و تلاش بر حفظ مناطق کردنشین در شرق فرات: از ابتدای سال ۲۰۱۵ تا اواسط سال ۲۰۱۸ می‌توان سیر صعودی از حمایت‌های نظامی، امنیتی و مالی آمریکا نسبت به کردهای سوریه را مشاهده کرد. دولت ترامپ نیز همانند باراک او با این راهبرد را در قالبی حتی گسترده‌تر ادامه داد. در همین زمینه، هیلال کویلو (Hilal Köylü, 18/05/2017)، کارشناس سیاسی معتقد است که آمریکا در دوران ترامپ به وضوح حمایت از کردها در سوریه را ادامه خواهد داد. چرا که مدیریت ترامپ به وضوح اولویت‌های خود در منطقه را ابراز نموده است. آمریکا در مبارزه با داعش در منطقه، بهترین نتایج را از عملیات یگان‌های مدافع خلق کرد به دست می‌آورد. به این دلیل، ایالات متحده از پشتیبانی یگان‌های مدافع خلق کرد خودداری نخواهد نمود. در همین راستا، آمریکا حدود ۲۰۰۰ نیروی خود را نیز در کنار آنها مستقر کرده است. آمریکایی‌ها معتقدند در حال حاضر هیچ نیروی دیگری به اندازه کردها آمادگی مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی را ندارد، به ویژه که آموزش‌های لازم را به آنها داده‌اند و سلاح‌های مدرن در اختیارشان گذاشته‌اند (Mosavi Khalkhali, 2 May 2017).

واقعیت این است که دولت ترامپ، قصد دارد حداقل در وضعیت فعلی حکومت کردها در منطقه شرق فرات ادامه داشته باشد. در همین ارتباط، درپل لوین، استاد دانشگاه سوئد و متخصص حوزه خاورمیانه معتقد است که، دولت ترامپ می‌خواهد همچنان در روزاوا بماند و با نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها همکاری کند (Loen, November 9, 2018).
تقابل واشنگتن با معادله دو وجهی نزاع کردهای سوریه و ترکیه: در کنار اتحاد استراتژیک آمریکا با کردهای سوریه در قالب نیروهای دموکراتیک سوریه، مهم‌ترین مساله در دسرساز برای دستگاه دیپلماسی دونالد ترامپ را می‌توان در ارتباط با مدیریت مساله اختلافات و ضدیت ترکیه علیه کردهای سوریه ارزیابی کرد. از یک سو، آمریکا از ابتدای سال ۲۰۱۵ تا کنون نیروهای کرد سوری را در مقام پیاده نظام و متحد استراتژیک در کنار خود داشته است. از سوی دیگر، دولت ترکیه نیز در مقام متحد سنتی آمریکا، به دلیل انتقادات خود از واشنگتن در موضوع کردهای سوریه، حتی تا مرز برهم‌زدن مناسبات خود با آمریکا پیش رفته است. در

واقع، از منظر ترکیه نیروهای نظامی اصلی کردهای سوریه، یعنی یگان‌های مدافع خلق، روابط نزدیکی با حزب کارگران کردستان یعنی پ‌ک‌ک در ترکیه دارند، که یک گروه کردی در درون ترکیه است و به لحاظ بین‌المللی هم‌چون سازمانی تروریستی شناسایی شده است (Purcell, March 1, 2016). اما، در نوامبر ۲۰۱۸ نیز، جفری جیمز، نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور سوریه گفته بود؛ «به هیچ عنوان YPG را گروه تروریستی نمی‌دانیم و هیچ زمانی نیز ندانسته‌ایم (کرجان، ۱۸ آبان ۱۳۹۷).

آمریکا در ارتباط با این مساله پیچیده تلاش دارد همزمان، هر دو طرف را در کنار خود داشته باشد. برای نمونه دونالد ترامپ در گفتگویی تلویزیونی پیرامون کودتا نافرجام ۱۵ جولای ترکیه تاکید می‌کند: «من طرفدار کردها هستم. در عین حال ما می‌توانیم به طور بالقوه مناسبات حسنه‌ای نیز با ترکیه داشته باشیم. واقعا شگفت‌انگیز خواهد بود که به هر نحور ممکن بتوانیم هر دو طرف را کنار یکدیگر داشته باشیم» (Gunter, 2018). در راستای همین رویکرد، فارغ از موضوع حمله ترکیه و متحدان‌اش به کانتون عفرین در اوایل سال ۲۰۱۸، واشنگتن تلاش کرده از هر گونه وقوع درگیری میان دو طرف ممانعت به عمل بیاورد. برای نمونه، ایالات متحده در ماه مارس ۲۰۱۷ نیروهای خود را به منبج اعزام کرد تا از درگیری شبه نظامیان سوری تحت امر ترکیه با YPG جلوگیری کند. این کشور در سال ۲۰۱۸ با یگان‌های مدافع خلق نیز واحدهای گشت‌زنی مشترک در مناطق تحت زعامت کردها در سوریه راه‌اندازی نموده است (Eden, 8 November 2018). در مجموع، مساله ایجاد توازن در مناسبات با کردهای سوریه و ترکیه همچنان در مقام مساله‌ای مهم برای دستگاه دیپلماسی آمریکا در جریان است.

بهره‌گیری از کردها در مقام ابزار فشار و دیپلماتیک: جایگاه کردها برای دولت آمریکا را نمی‌توان تنها در مقام ایفای نقش پیاده نظام آمریکا در نظر گرفت، بلکه دولت ترامپ از اهمیت آن برای منافع ملی آمریکا به خوبی خبردار است، چرا که از سویی این نیرو بهترین مبارز نیابتی برای آمریکا در مبارزه زمینی علیه داعش است. و از سوی دیگر نیز تنها نیرویی است که در سوریه برای آمریکا باقی مانده تا بتواند منافع کشور خود را در تحولات آتی این کشور

بحران زده پیش برد. آمریکا از طریق همکاری با این نیرو از هرگونه ایجاد چالش از سوی ترکیه علیه آمریکا و منافع این کشور در منطقه نیز می‌تواند بهره‌برداری نماید، چرا که در سال‌های اخیر، استامبول به آمریکا نشان‌داده که منافع ترکیه را قربانی دوستی با آمریکا نخواهد کرد و در راستای منافع ترکیه با کشورهای مخالف و رقیب واشنگتن نیز طرح دوستی و هم‌پیمانی بر سر موضوعات کلیدی خاورمیانه و خصوصاً سوریه را خواهد ریخت.

۴-۲-۳. نقش آفرینی روسیه در بحران سوریه و رویکرد آمریکا در دولت ترامپ به آن

از آغاز بحران سوریه، روسیه با رویکردی متفاوت و حتا متضاد از آمریکا به سوریه می‌نگریست. لذا باید توجه داشت که در مقایسه با آمریکا، از یک طرف، سوریه برای روسیه از اهمیت راهبردی بسیاری برخوردار است و از طرف دیگر روسیه از فرصت پیش‌آمده در سوریه استفاده می‌کند تا به برخی اهداف کلان تر خود که لزوماً ارتباطی با سوریه ندارند، دست یابد. اهداف روسیه از حضور نظامی این کشور در سوریه از چند جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ نخست، روسیه منافع مهمی در سوریه به عنوان تنها کشور عرب متحد خود دارد و تصور می‌کند برای حفظ این منافع اسد باید در قدرت بماند. لذا اقدام به مداخله نظامی در این کشور نمود تا موازنه را به سود اسد تغییر دهد. دوم، مساله دیگری که برای روسیه اهمیت اساسی دارد، مبارزه با رادیکالیسم مذهبی است که ریشه در مسائل و نگرانی‌های داخلی روسیه دارد. سوم، روسیه هم‌چنین با حضور نظامی خود در سوریه ضمن اینکه می‌تواند قدرت خود را به عنوان یک نیروی ثبات بخش افزایش دهد، قدرت چانه‌زنی خود را در برابر رقبای منطقه‌ای (ترکیه و عربستان) و بین‌المللی (غرب) تقویت کند و از موضع بالاتری در مذاکرات برخوردار شود. چهارمین هدفی که روسیه از حضور نظامی در سوریه دنبال می‌کند، القای این پیام است که روسیه از متحدان خود حمایت می‌کند (Hatamzadeh, December 2015). لذا روسیه از همان زمان، ایستادن در کنار دولت اسد را بر هرگونه اقدام دیگر مرجح دانست و به پشتیبانی نظامی، دیپلماتیک، بین‌المللی و سیاسی از وی پرداخته و ارتش این کشور را در نبرد با مخالفان اسد و گروه‌های رادیکال اسلامی یاری نمود، تا حدی که بار دیگر سوریه را می‌توان در ذیل اقتدار دولت مرکزی این کشور دید. در همین راستا؛ مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی

ترامپ نسبت به بحران سوریه با تمرکز بر نقش روسیه عبارتند از:

کنار گذاشتن رویکرد ضرورت خروج روسیه از سوریه: در دوران باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، اهداف بزرگی برای آمریکا در سوریه ترسیم شده بود که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را ضرورت ترک منصب قدرت از سوی بشار اسد و خروج روسیه از کشور سوریه ارزیابی کرد (Schake, 16 Apr 2018). بر خلاف باراک اوباما دستگاه دیپلماسی آمریکا در دوران ترامپ، کناره‌گیری بشار اسد را در مقام یک ضرورت بی‌بدیل و حیاتی مورد لحاظ قرار نداده است و به درکی از واقعیت قدرت و حضور روسیه در سوریه نیز نایل آمده است. حتی در نشست هلسینکی بر همکاری نظامی دو کشور و نیز همکاری‌های دوجانبه جهت حل بحران سوریه تاکید شده است (دوچه‌وله، ۲۰۱۸/۰۷/۱۶). از همین رو، ترامپ به خوبی از جایگاه و قدرت روسیه در بحران سوریه آگاه است و می‌داند، این بحران چه به لحاظ سیاسی — دیپلماتیک، چه نظامی و به هر شیوه‌ای دیگر، بدون روسیه پایان نخواهد یافت. لذا ترامپ تلاش دارد تا جهت نیل به یک توافق سیاسی — دیپلماتیک برای حل بحران سوریه، علاوه بر لحاظ نمودن منافع روسیه در سوریه، بر سر همکاری با این کشور نیز به نتیجه برسد.

دور کردن روسیه از محور مقاومت (تهران — دمشق — حزب الله): مساله دیگر برای ترامپ، جلوگیری از شکل‌گیری یک محور مقاومت از دل بحران سوریه با حضور دمشق، تهران و حزب‌الله ذیل چتر قدرت روسیه است. مهم‌ترین نشست مشترک دو کشور در دوران ترامپ به نشست هلسینکی در فنلاند در تیر ماه ۱۳۹۷ بازمی‌گردد. اگرچه ویکتور زاورزین معاون کمیسیون دفاعی دومای روسیه معتقد است که دولت ترامپ جایگاه روسیه در سوریه را هدف قرار داده، و هدف وی کاهش نقش روسیه در مساله سوریه است (Islamic Republic News Agency, 29 March 2018)، اما در این نشست و در کل سال‌های اخیر روسیه به عنوان حامی اسد، دست بالا را در نبرد این کشور داشته و نقش و جایگاه آن در سوریه غیرقابل حذف و انکار است و ترامپ نیز از این واقعیت آگاه است. لذا درک آقای زاورزین از نقشه آمریکا برای روسیه در سوریه، به دوران اوباما بازمی‌گردد و چندان ارتباطی با دوران ترامپ ندارد. اما، موضوع کلیدی در نشست هلسینکی، بر سر نقش ایران و محور مقاومت در سوریه و تلاش

برای پایان این بحران بوده است. ترامپ از روسیه می‌خواهد که با خروج ایران از سوریه و حزب‌الله موافقت نموده و این کشور مهم در تحولات سوریه را وادار به خروج از این کشور نماید (Diamond, July 16, 2018)، تا از شکل‌گیری یک محور مقاومت با حضور دمشق، ایران و حزب‌الله در منطقه ممانعت به عمل آید. امری که رفتار و عملکرد روسیه نشانی از همراهی با آن نداشته و روسیه به خوبی می‌داند که نمی‌تواند از نقش ایران در تحولات سوریه چشم‌پوشی نماید.

تلاش برای اقناع روسیه برای توافق بر سر پایان دادن به بحران سوریه: از زمانی که ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا رسیده است، یکی از مساله‌های مهم میان آمریکا و روسیه به بحران سوریه باز می‌گردد. ترامپ همواره در بعد بین‌المللی از اعلام یک نظر مستقل و قطعی در خصوص نقش روسیه در سوریه و اقدامات آن پرهیز نموده تا از پیچیده‌تر شدن بحران و تشدید تنش با مسکو پرهیز نماید، اما در بعد انسانی بارها اعلام نموده که فجایع حاصل از این جنگ به گریبان روسیه را نیز خواهد گرفت. در ۲ می ۲۰۱۸، روسای جمهوری آمریکا و روسیه بر سر همکاری برای پایان به بحران سوریه و تلاش برای نیل به یک توافق سیاسی با حضور دو کشور تاکید نموده بودند (Afghan voice agency, 2 May 2018). هم‌چنین دو کشور در نشست هلسینکی نیز بر این مساله که بحران سوریه راه حل نظامی ندارد و این بحران می‌بایست از مسیر سیاسی — دیپلماتیک و با همکاری روسیه و آمریکا پایان یابد تاکید نموده بودند (Deutsche Welle, 11/11/2017). لذا ترامپ نه راه کار نظامی که راه دیپلماتیک را با مشارکت و همکاری با روسیه را عامل پایان بحران سوریه می‌داند.

۴-۲-۴. جایگاه ایران در بحران سوریه و رویکرد دولت ترامپ به آن

ایران و سوریه از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا امروز از روابط گرمی برخوردار بوده‌اند و سوریه به عنوان کلیدی‌ترین متحد و شریک منطقه‌ای ایران به حساب می‌آید (Fulton, August 15, 2011). اما شروع اعتراضات و بحران داخلی سوریه، زمینه را برای دگرگونی در روابط دو کشور فراهم نمود. روابط دو کشور وارد مرحله‌ای شد، که در قالب تلاش ایران برای حفظ فشار اسد و ممانعت از کنترل سوریه توسط نیروهای مخالف اسد، قابل صورت‌بندی است

(Fulton, Holliday and Wyer, 2013). ایران به اسد به عنوان استراتژیک‌ترین متحد خود در خاورمیانه می‌نگرد. می‌توان دلایلی چند برای اهمیت سوریه برای ایران و حمایت این کشور از اسد برشمرد:

نخست؛ دولت بعث سوریه به ریاست حافظ اسد جز معدود کشورهای بود که در طول جنگ تحمیلی هشت ساله در کنار مردم و نظام تازه حیات یافته ایران قرار گرفت. دولت سوریه همزمان با انقلاب ایران از نخستین کشورهای بود که انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و لزوم اتحاد با انقلاب اسلامی را برای قوام و قدرت امت اسلامی مطرح ساخت.

دوم؛ غرب آسیا یک منطقه ژئواستراتژیک است و سوریه به عنوان یک از کشورهای این منطقه، در معادلات آن دارای نقش مهم و راهبردی می‌باشد. موقعیت سوریه به دلیل همسایگی با اسرائیل، لبنان، عراق و همچنین دسترسی به سواحل دریای مدیترانه، شرایط ویژه و ممتازی را به این کشور بخشیده است. سوریه حلقه اتصال ایران به حزب الله و تامین کننده نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران به مساله فلسطین است (Guli, April 12, 2016).

سوم؛ مساله سوریه یکی از حیاتی‌ترین موضوعات در رقابت منطقه‌ای عربستان و ایران است. سوریه کشوری است که ایران خواهان بقای اسد و نیروهای تحت حمایت خود در قدرت است و عربستان نیز در مقابل در تلاش برای حذف اسد و روی کار آوردن سنی‌های تحت حمایت خود است (Fisher, January 4, 2016).

این نکته بر همه آشکار است که حمایت ایران از بشار، در طول ۷ سال جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای او برخوردار بوده است، حمایتی که هر لحظه بیشتر می‌شود و در قالب منابع مالی و حمایت تسلیحاتی، مشاوره‌ای، تدارک نیروهای شیعی و آموزش آنها خود را نشان می‌دهد. در این میان نباید از اهمیت هم‌کاری ایران و روسیه بر سر سوریه غافل بود. دیپلمات‌ها در دمشق بر این باور هستند که ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است (Bozorgmehr, April 16, 2016). در این میان با عمیق شدن بحران سوریه در آگوست ۲۰۱۶، و تهدید ترکیه به مداخله در سوریه علیه پیش‌روی‌های کردها، ناظران بعید نمی‌دانند که ترکیه و ایران خود را در وضعیتی ببینند که مجبور باشند از اختلافات در پرونده سوریه و

سرنوشت بشار اسد، بگذرند تا بتوانند در هماهنگی‌های امنیتی و سیاسی خود علیه کردها موفق شوند (irdiplomacy.ir, 22 August 2016: 1962419). این پیش‌بینی‌ها از سال ۲۰۱۷ به این سو درست از آب درآمد. در عرصه میدانی جنگ اسد توانسته بر بیش از ۹۰ درصد سرزمین سوریه کنترل داشته باشد. در نتیجه ترکیه با نزدیکی به ایران و روسیه و در نشست‌های سه‌جانبه تلاش دارد تا روندهای دیپلماتیک برای اتمام بحران سوریه را در همکاری با این دو کشور استراتژیک حاضر در بحران سوریه پیگیری نموده و در عین حال بتواند منافع نیروهای وابسته به خود در سوریه را به شکل حداقلی در ادلب حفظ نموده و سرانجام از هرگونه پیشروی کردها در سوریه با چراغ سبز روسیه، ممانعت به عمل آورد.

حفظ منافع اسرائیل و پیشگیری از تهدید ایران برای تل‌آویو: حفظ منافع اسرائیل از اهمیت راهبردی برای آمریکا در دوران ترامپ برخوردار است. ترامپ به نسبت باراک اوباما، از هم‌دلی و نزدیکی خاصی با اسرائیل برخوردار است و در مواضع سیاست خاورمیانه‌ای دولت خود، همواره به منافع این دولت می‌اندیشد. آمریکا در دوران ترامپ از حملات غیرقانونی و ناقض دستورالعمل‌های بین‌المللی این کشور به مواضع نیروهای نزدیک به ایران در سوریه حمایت نموده و حتا خود آمریکا ایران را به اعمال موضع عملیاتی در سوریه تهدید می‌کند (Ensor, 22 AUGUST 2018). لذا بدیهی است با این سطح از پیوند و هم‌دلی ترامپ و اسرائیل در دوران کنونی و با توجه به بحران سوریه، این کشور به‌منظور حفظ منافع اسرائیل در بحران سوریه، به مقابله با تهدیدهای ایران علیه اسرائیل اقدام کند.

تلاش برای خروج ایران از سوریه با اعمال فشار بر سوریه و روسیه: دولت ترامپ تلاش دارد تا در راستای منافع اسرائیل و نیز به کرسی نشانیدن مواضع ضد ایرانی خود که با اعمال تحریم‌های مجدد علیه تهران همراه بوده، در بحران سوریه نیز ایران را وادار به خروج از این کشور نماید. آمریکا از روسیه و اسد می‌خواهد که ایران را از سوریه اخراج نموده تا زمینه برای حل بحران این کشور فراهم شود (Ensor, 22 August 2018). چنان‌که در بخش روسیه نیز گفته شد، این مسأله از سوی دونالد ترامپ در نشست هلسینکی مطرح شده است. حتا، وزیر خارجه آمریکا در جمع اعضای «بنیاد یهودی برای امنیت ملی آمریکا» به تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸

نیز گفته بود؛ «در صورتی که نیروهای ایران از سوریه خارج نشوند، آمریکا هیچ کمکی به بازسازی این کشور در دوره بعد از جنگ نخواهد کرد» (دویچه‌وله، ۲۰۱۸/۱۰/۱۱). امری که عملیاتی شدن آن در عرصه رئال پالیتیک سوریه در شرایط کنونی ممکن به نظر نمی‌رسد. در ارتباط، با این امر حتی خروج ترامپ از برجام را می‌توان در ارتباط با مسأله نفوذ منطقه‌ای ایران ارزیابی کرد. مشکل ترامپ با ایران مسأله سلاح هسته‌ای نیست، بلکه مشکل اصلی ترامپ و در حقیقت آمریکا با ایران، رفتار منطقه‌ای ایران و به ویژه حمایت از جنبش مقاومت (به عنوان چالش نظم هژمونیک آمریکا در خاورمیانه) است (Mossallanejad, 2017: 61).

تلاش برای درهم شکستن محور مقاومت و نفوذ آن در سوریه: عبدالباری عطوان نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور عرب، سردبیر روزنامه رای‌الیوم و نویسنده کتاب «داعش» معتقد است که؛ «اوضاع سوریه به سرعت به نفع محور دمشق، ایران، روسیه و حزب الله و در اصل محور مقاومت در حال تغییر است، این محوری است که چیزی برای از دست دادن ندارد و در زمینه مقاومت و مبارزه به طرق مختلف، تجارب زیادی کسب کرده است». از این رو، وی معتقد است که آمریکا در دوران ترامپ تلاش دارد تا با توجه به منافع اسرائیل و نیز کمک این کشور، به در هم شکستن محور مقاومت به رهبری ایران اقدام نماید (Al-Kawthar TV, April 16, 2018).

هدفی که دستیابی به آن به معنای کاهش نفوذ ایران در سوریه است. اما، سوریه خود را به انحصار مختلف و امدار محور مقاومت دانسته و نیز به خوبی از ارزش اتکا به این محور و ایران آگاه است و می‌داند ایران کشوری است که در هر صورت در کنار وی خواهد ماند، چنان که در جنگ ۷ سال اخیر سوریه نیز این را اثبات نموده است. اما ترامپ حاضر به پذیرش قدرت‌گیری ایران و محور مقاومت در منطقه نیست، چرا که علاوه بر احساس خطر برای منافع مستقیم آمریکا در خاورمیانه و نیز تهدید اسرائیل از سوی این محور، نگران آینده خاورمیانه در دست تحول و سوریه آتی است.

۵. سیاست خارجی ترامپ نسبت به بحران سوریه و ملاحظات امنیتی آن برای ایران

رویکرد سیاست خارجی دولت آمریکا نسبت به سوریه، با توجه به ضدیت ویژه او و مقام‌های سیاسی کاخ سفید با ج.ا. ایران که در قالب اقداماتی همچون خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها قابل تحلیل است، تهدیداتی جدی را برای امنیت ملی ایجاد کرده که متعاقب آن نیز می‌توان از الزاماتی برای سیاست خارجی تهران سخن به میان آورد. در همین راستا، می‌توان پنج سطح یا محور را مطرح نمود.

۱-۵. **حفظ بسترهای ارتباط میان ایران، ترکیه و روسیه؛ ایالات متحده آمریکا در دوران ترامپ، توجه ویژه‌ای به سوریه داشته و این کشور را در زمره مسائل خاورمیانه‌ای دکترین سیاست خارجی خود نسبت به این منطقه قرار داده است.** ترامپ تلاش دارد تا فشار بر دولت اسد و روسیه، ایران را از سوریه خارج کرده و ترکیه را به شکل یک‌بام‌ودوهوا همچنان به عنوان متحد استراتژیک غرب حفظ نماید. اما، استراتژی ترامپ نسبت به بحران سوریه، با حل این بحران از سوی ایران، روسیه و ترکیه چندان موافق نیست، چرا که منافع خود را در خطر می‌بیند و این امر می‌بایست به عنوان اهرمی برای جمهوری اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

محور سه‌جانبه ایران، ترکیه و روسیه از سال ۲۰۱۶ به این سو کلید خورده و در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسیده است. این محور با حضور نیروهای اصلی غالب در بحران سوریه، نقش کلیدی در تحولات این کشور و حل بحران آن را بازی می‌کند و از قدرت لازم برای تاثیر مثبت بر روندهای آتی و ارائه یک راه‌کار دیپلماتیک را داراست. ترکیه و ایران دو بازیگر منطقه‌ای اصلی حاضر در بحران سوریه هستند، روسیه نیز نقش بازیگر کلیدی خارج از منطقه را بازی می‌کند که در تحولات سوریه دست بالا را دارد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه از سال ۲۰۱۲ به این سو با قدرت‌نمایی این دو قدرت منطقه‌ای و روسیه به عنوان بازیگر اصلی خارج از مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه با تمرکز بر روسیه در حال تکامل و تداوم است. لذا جمهوری اسلامی می‌بایست تمرکز خود را بر ایجاد و حفظ بسترهای لازم جهت توسعه روابط سه‌جانبه ایرانی، روسی و ترکی قرار دهد و نسبت به نزدیکی هرچه بیشتر استانبول، تهران و

مسکو در مجموعه امنیتی خاورمیانه و بحران سوریه تلاش نماید.

۲-۵. تلاش برای کشاندن اروپا به بستر سه‌جانبه ترکی، روسی و ایرانی؛ به‌طور کلی با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، نگاه آمریکا با اروپا به عنوان یک دوست و هم‌پیمان بی‌چون و چرا زیر سوال رفته و از منظر رویکرد اقتصادی ترامپ جهت کاهش هزینه‌های آمریکا، این کشور تلاش دارد تا به دگرگونی در پیمان‌های ایالات متحده و اروپا دست بزند. از همین رو مساله تقبل هزینه‌های امنیتی ناتو از سوی اروپا، دگرگونی در پیمان‌های اقتصادی آمریکا و اروپا، و نیز خروج آمریکا از پیمان برجام و فشار به اروپا برای تحریم ایران از سوی ترامپ به اروپا تحمیل می‌شود. از دل این وضعیت نارضایتی اروپایی‌ها و تلاش آنها برای ایجاد سازوکارهای نوین که زمینه‌ساز کاهش وابستگی به آمریکا باشد، در حال ظهور است. در این راستا، اروپا به واسطه‌ی مساله برجام خواهان حمایت از ایران است و همین باعث شده تا این اتحادیه به مقابله با اقدامات آمریکا اقدام نماید. از دل همین وضعیت می‌توان اروپا را به عنوان یک نیروی در حال ظهور و منقد آمریکا به میان حلقه کشورهای خواهان حل بحران سوریه وارد نمود. از همین رو، بستر سه‌جانبه‌ای که ایران، روسیه و ترکیه شکل داده‌اند، انعطاف لازم برای حضور قدرت‌ها و نهادها فرامنطقه‌ای، چون سازمان ملل، اتحادیه اروپا و نیز کشورهای این اتحادیه به شکل واحد را داراست. لذا جمهوری اسلامی در همیاری با روسیه و ترکیه می‌تواند با ایجاد زمینه‌هایی که بتواند باعث همراهی اتحادیه اروپا در وضعیت کنونی که نگران از افراط‌گرایی ترامپی است، این اتحادیه را نیز به داخل بازی امنیتی خاورمیانه و سوریه کشانده و علاوه بر انزوای بیشتر آمریکا، زمینه را برای بدل شدن راهکار سه‌جانبه و سه‌کشوری حل بحران سوریه به یک راهکار چهارجانبه و فراگیر بین‌المللی قوی فراهم نماید.

۳-۵. نزدیکی به کردها با تمرکز بر اشتراکات فرهنگی؛ آمریکا در استراتژی سیاست خارجی خود به سال ۲۰۰۳ در جنگ عراق، اتکای زیادی به کردها نمود و از آن پس نیز کردها به عنوان یک شریک و متحد استراتژیک غرب مطرح شدند. با نگاه به بحران سوریه شاهدیم که آمریکا در دوران ترامپ تلاش دارد تا از این متحدان قابل اعتماد و اتکا، این بار در سوریه استفاده نماید که می‌تواند باعث به خطر افتادن منافع ایران در سوریه شود، لذا با توجه به اشتراکات

فرهنگی ایران و کردهای سوریه، بهره‌برداری از جایگاه کردهای سوریه برای ایران، امری ضروری است. لذا نزدیکی کردها به آمریکا، بنا به الزامات زمانی بوده و ناشی از انتخاب عقلایی و تصمیم جمعی آنها نیست. چرا که آنها به خوبی از بی‌اراده‌بودن آمریکا در حمایت قطعی از هم‌پیمانان منطقه‌ای خود آگاهند و می‌دانند روزی خواهد رسید که آمریکا کردها را قربانی منافع ملی خود در سوریه نماید. لذا جمهوری اسلامی ایران با نزدیکی به کردهای سوریه و بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی با آنها، می‌تواند زمینه را برای کاهش نفوذ آمریکا در سوریه فراهم نموده و در کنار این، بخش مهمی از نیروهای اصلی حاضر در تحولات سوریه را نیز به خود نزدیک کند.

۵-۴. حمایت از روند دیپلماتیک در سوریه؛ یکی از استراتژی‌های آمریکا در طول تاریخ، حمایت ظاهری از روندهای دیپلماتیک تحت زعامت سازمان ملل در حوزه‌های موضوعی مختلف و القای آن به جامعه بین‌المللی است. آمریکا همواره اقدامات خود را بهره‌گیری از سازمان ملل مشروعیت بخشیده است و این اقدام در مورد بحران سوریه نیز تا حدودی به چشم می‌خورد. لذا این سیاست در دوران ترامپ به عنوان حربه‌ای علیه کشورهای که اقتدار سازمان ملل را قبول نداشته باشند، به کار رفته است. به عنوان مثال، در مساله حملات شیمیایی سوریه، ترامپ از رژیم‌های بین‌المللی و نیز سازمان ملل برای توجیه حمله به پایگاه‌های نیروهای وابسته به اسد استفاده نمود، از همین رو، جمهوری اسلامی نیز می‌بایست از این سیاست‌ها بهره‌گیری نموده و با وجود حفظ منافع ملی در بحران سوریه، اما از روندهای دیپلماتیک موجود در سوریه نیز حمایت نماید. جمهوری اسلامی که از حامیان اصلی اسد می‌باشد، حمایت‌های نظامی و مستشاری و نیز نیرو برای دفاع از سوریه و دولت وی را برای این کشور فراهم نموده است. اما این تنها بخشی از تحولات سوریه است که در بعد نظامی پیگیری می‌شود و از ضرورت لازم برای ایران نیز برخوردار است. اما، در بعد دیپلماتیک اگرچه ایران در نشست‌های بین‌المللی حضور فعال دارد و نیز در نشست سه‌جانبه روسی، ترکی و ایران حاضر است، تلاش نماید تا از روند دیپلماتیک سوریه که از کانال سازمان ملل و فرستاده ویژه این سازمان برای سوریه می‌گذرد حمایت نماید، تا پرستیز بین‌المللی کشور را نیز به

عنوان نیرویی خواستار حل بحران سوریه نشان دهد.

۶. تحلیل و نتیجه گیری

دولت سوریه به مرور قدرت را در سوریه دوباره به دست می‌گیرد و مناسبات این کشور بار دیگر از مجرای حکومت مرکزی سوریه خواهد گذشت. اما، سوریه کنونی و پسابحران، هیچ شباهتی با سوریه پیش از ۲۰۱۱ ندارد، که از سویی یک فضای سیاسی - امنیتی با ثبات (هرچند دارای سطوحی از مسائل در مناطق مختلف کشور) را در سراسر سوریه گسترانده بود و از سوی دیگر نیز توانسته بود از دل سوریه مدرن در دوران پان‌عرب‌یسم به سلامت بیرون آمده و به قدرتی اصلی در شکل‌دادن به نظم امنیت منطقه‌ای خاورمیانه بدل شود. سوریه زمانی محور اصلی تحولات خاورمیانه در کنار ایران، ترکیه و عربستان به حساب می‌آمد، اما تحولات کنونی باعث شد تا این کشور از چرخه قدرت و رقابت در خاورمیانه حذف شود. دولت ترامپ نیز در رویکرد خود به تحولات سوریه، اگرچه به تدریج با واقعیت میدانی در سوریه کنار آمده و می‌داند اسد قابل حذف نیست، اما از فرسایش این کشور نیز به خوبی آگاه است، لذا می‌خواهد از مجرای تحولات کنونی و آتی سوریه برای شکل‌دادن به نظم امنیتی خاورمیانه با به انزوای کشاندن ایران در دوران تحریم‌های پس از خروج واشنگتن از برجام حداکثر استفاده را نماید. در این نظم جدید، کردها که پس از ۲۰۰۳ در عراق به عنوان یک نیروی سیاسی جدید در خاورمیانه ظهور کرده بودند، اکنون و در دوران یک رئیس‌جمهوری خواه دیگر در آمریکا، این بار در سوریه بار دیگر در مرکزیت سیاست آمریکا قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد ترامپ و دولت او در تلاشند تا متحدی قابل اعتماد هم‌چون کردها عراق را این بار در سوریه شکل دهند، که بتواند حافظ منافع آمریکا در سوریه باشد.

در کنار این، ترکیه، روسیه و ایران، سه بازیگر اصلی و مهم در تحولات سوریه از ۲۰۱۲ تا به امروز هستند. اما، نقش آمریکا در تحولات سوریه، از زمان شکل‌گیری نیروهای سوریه دموکراتیک در سال ۲۰۱۵ برجسته‌تر شد، چرا که به حامی اصلی این نیرو در سوریه بدل شد. هر یک از این نیروها در کنار منافع واحد سیاسی یا کشور خود، دارای یک سری زمینه‌های همکاری و تضاد بر سر بحران سوریه هستند، که علاوه بر نظم امنیتی سوریه، نظم امنیتی

منطقه‌ای خاورمیانه نیز حول آن شکل گرفته است. سوریه و ترکیه و ایران تلاش دارند تا با کنار گذاشتن اختلافات به همدیگر نزدیک شده و بتوانند زمینه را برای حل بحران سوریه فراهم نمایند، اما تضادهای آنها در این مساله و نیز ضرورت لحاظ نمودن جایگاه آمریکا، به بستری برای شکاف میان این نیروها و یا بازی یک‌بام و دو هوای آن بدل شده است. در این میان، به نظر می‌رسد که ترکیه و روسیه حاضر به لحاظ نمودن منافع متقابلی برای همدیگر در سوریه هستند، ایران نیز تلاش دارد تا از نزدیکی به روسیه و اسد برای پیگیری منافع خود استفاده نماید، و جایگاه این کشور نیز غیرقابل انکار است. در کنار این آمریکا نیز تلاش دارد تا با ایجاد یک محور تعادل و توازن با ترکیه در سوریه، سهمی برای رویکرد این کشور به سوریه قایل شود، اما از ایجاد منافع حداکثری برای استانبول که به معنای تهدید منافع آمریکا در نزدیکی به کردها در سوریه است، پرهیز می‌نماید. آینده‌ی این بحران را روندها همکاری و تنش کنونی، الزامات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و منافع هر یک از بازیگران حاضر در این بحران، خصوصاً بازیگران قدرتمندی چون روسیه و آمریکا در سطح بین‌المللی و ایران و ترکیه در سطح منطقه‌ای تعیین خواهند کرد. در مجموع، ایران می‌بایست در مقام بازیگری مهم و دارای ملاحظات استراتژیک در منطقه خاورمیانه که بخشی از قدرت و نفوذ منطقه‌ای آن ناشی از افزایش توانمندی محور مقاومت است، با در پیش گرفتن دیپلماسی هوشمندانه (ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت)، از پیش رفتن و اجرایی شدن برنامه‌های سیاست خارجی دونالد ترامپ رد منطقه خاورمیانه با محوریت بحران سوریه ممانعت به عمل بیاورد. در این راستا، تلاش ایران برای دور کردن کردهای سوریه و نزدیک کردن آنان به دمشق و نیز حفظ حلقه همکاری مسکو، تهران و آنکارا که رد جریان نشست‌های آستانه کلید خورده، مهم‌ترین راهبردی است که تهران در مسیر مقابله با تهدیدات امنیتی ترامپ برای ایران در مساله بحران سوریه می‌تواند اتخاذ نماید.

۷. تشکر و قدردانی

نویسندگان کمال سپاسگذاری را از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران و نیز گروه حقوق، علوم سیاسی و الهیات دارند.

References

1. Abdollah Khani, Ali (2006), Review and critique of building security theory, Strategic Studies, Volume 9, No. 33 **[In Persian]**.
2. Adami, Ali (Spring 2012), Bahrain's crisis and regional security of the Islamic Republic of Iran, Strategy, Volume 21 , Number 62 **[In Persian]**.
3. Afghan voice agency (2 May 2018), Trump and Putin phone calls on the Syrian and Korean crises. From: <https://www.avapress.com/fa/news/142201>.
4. Alalam News Network (May 22, 2018), Changing Syria map from 2013 to 2018. From: <http://fa.alalam.ir/news/3575041>.
5. Alalam News Network (November 4, 2018), Turkey deployed 700 troops to fight Syrian Kurds on the border. From: <https://fa.alalam.ir/news/3873101>
6. Alexander, Harriet (25 September 2018), What to expect from Donald Trump's speech at the United Nations general assembly, Available at: <https://www.telegraph.co.uk/news/2018/09/25/expect-donald-trumps-speech-united-nations-general-assembly>.
7. Al-Kawthar TV (April 16, 2018), Atwan: The situation in Syria is changing rapidly in benefit of the resistance axis. From: <http://fa.alkawthartv.com/news/132716>
8. Beauchamp, Zack. (2017). "Trump's response to an atrocity in Syria: talk tough and blame Obama". available at: www.vox.com/world/2017/4/5/15189820/trump-response-atrocit.
9. Bozorgmehr, Najmeh (APRIL 16, 2016). Iran deploys army to bolster support for Syrian president. The Financial Times. Available at: <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755> **[In Persian]**.
10. Buzan, Barry (1991), People, State and Fear: The National Security Problem in International Relation, London, Harvester: Wheatsheaf.
11. Buzan, Barry and Ole Waever (2003), Regions and Powers: The Structure of International Security, Cambridge University.
12. Callahan, Patrick (2008), American Foreign Policy Logic: American Global Theories, Translators: Davood Ghareaghzandi, Nader Pourakhundi, Mahmoud Yazdanfam, Tehran, Strategic Studies Institute Publisher.
13. Cassidy, John (19 September 2018), Don't Underestimate the Danger of Trump's Trade War with China, Available at: <https://www.newyorker.com/news/our-columnists/dont-underestimate-the-danger-of-trumps-trade-war-with-china>
14. Cherkaoui, Mohammed (23 August 2016), Clinton versus Trump: Two-Distant Visions for America, Available at: <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2016/08/clinton-trump-distant-visions-america-160823074714249.html> **[In Persian]**.
15. Dandandish, Parvin Kozhegar College, Vali (Autumn 2010), Critical review of

- the theory of regional security complex using the security environment of the South Caucasus region, Strategy, No. 56.
16. Deutsche Welle (11/10/2018), America: The condition for the reconstruction of Syria is the departure of Iran. From: <https://www.dw.com/fa-ir/world/a-45838967>.
 17. Deutsche Welle (11/11/2017), Putin and Trump: The solution to the Syrian crisis is not military. From: <https://www.dw.com/fa-ir/41337270>.
 18. Deutsche Welle (16/07/2018), Trump and Putin two sides Deal on the military cooperation in Syria. From: <https://www.dw.com/fa-ir/world/a-44700390>
 19. Deutsche Welle (21 march 2018), Trump: US troops withdraw from Syria soon. From: <https://www.dw.com/fa-af>
 20. DeYoung, Karen and Philip Rucker (2017), Details of Trump-Putin call raise new White House leak concerns', The Washington Post.
 21. Diamond, Jeremy (July 16, 2018), Trump sides with Putin over US intelligence. Available at: <https://edition.cnn.com/2018/07/16/politics/donald-trump-putin-helsinki-summit/index.html>.
 22. Eden, Paul (8 November 2018), From Manbij to Idlib: Tamper of Turks in Syria, Kurdpress New Service. From: <http://kurdpress.com/details.aspx?id=45243>
 23. Ensor, Josie (22 AUGUST 2018), Trump's security adviser tells Russia: Iran out of Syria or no deal. Available at: <https://www.telegraph.co.uk/news/2018/08/22/turkey-could-end-crisis-instantly-hands-us-pastor-says-trump>.
 24. Exploringyourmind.com (2 April 2018), Donald Trump's Personality, According to Psychologists, Available at: <https://exploringyourmind.com/donald-trump-personality-psychologists>.
 25. Fatemeh, Hashemi (Spring 2011), Sustainable Security in the Persian Gulf: Obstacles and Mechanisms, Geopolitical Quarterly Journal, Volume 7. [**In Persian**].
 26. Fisher, Max (January 4, 2016), The cold war between Saudi Arabia and Iran that's tearing apart the Middle East, explained The supposedly ancient Sunni-Shia divide is in fact very modern — and it's not really about religion. Available at: <http://www.vox.com/2016/1/4/10708682/sunni-shia-iran-saudi-arabia-war>.
 27. Friedman, George (11 July 2018), The Trump Doctrine, Geopolitical Futures, Available at: <https://geopoliticalfutures.com/the-trump-doctrine>.
 28. Fulton, Will (August 15, 2011). Syria-Iran Foreign Relations. Iran Tracker. Available at: <http://www.irantracker.org/foreign-relations/syria-iran-foreign-relations>.
 29. Fulton, Will, Holliday, Joseph and Wyer, Sam (2013), Iranian Strategy in Syria, Institute for the Study of War (Washington, D.C.), American Enterprise

- Institute for Public Policy Research.
30. Goldberg, John (2017), 'What Trump means when he says 'America first', Los Angeles Times, Available at: <http://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-goldberg-america-first-20170124-story.html>
 31. Goodarzi, Soheil & etc (2018) Trump and the Perspective of the US National Security Strategy; the Transition from Multilateralism to Unilateralism, Geopolitics Quarterly, Volume: 13, No 4. **[In Persian]**.
 32. Guli, Ammar (August 13, 2016), Manbij; the city of blood. From: <http://www.nnsroj.com/fa/detiles.aspx?id=90748>
 33. Guli, Mohammad (April 12, 2016), Why Iran is in Syria? From: <http://jamerooz.ir>
 34. Gunter, M. Michael (2018), Trump, Turkey and the Kurds, <https://www.mepc.org/journal/trump-turkey-and-kurds>
 35. Haas, R (2017), Trump foreign policy found has its theme: The Withdrawal Doctrine, Available at: <https://www.washingtonpost.com/.../ditching-deals-has-become-trumps-main-foreign-po..>
 36. Hannizadeh, Hasan (January 29, 2018), Syria Kurds American ambush for Turkey, Iranian Diplomacy. From: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1974593> **[In Persian]**.
 37. Hatamzadeh, Azizullah (December 2015), Russia and the United States; contradictions and overlapping of strategies in Syria, Iran's Foreign Relations Strategic Council. From: <http://www.scfr.ir/fa> **[In Persian]**.
 38. Heistein, Ari and West, James (November 20, 2015), There are more Pakistanis and Afghans fighting for Assad than Westerners fighting for ISIS, The National Interest. Available at: <http://nationalinterest.org/feature/syrias-other-foreign-fighters-irans-afghan-pakistani-14400>.
 39. Hennigan .W.J (25 September 2018), We Reject Globalism.' President Trump Took 'America First' to the United, Available at: <http://time.com/5406130/we-reject-globalism-president-trump-took-america-first-to-the-united-nations>.
 40. Hilal Köylü (18/05/2017), The United States will not avoid of support Syrian Kurds, Sputnik. From: <https://ir.sputniknews.com/opinion/201705182510722>.
 41. Iranian Diplomacy (August 21, 2016), Has raised the issue: Iran and Turkey have brought together. From: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1962419>.
 42. Islamic Republic News Agency (29 March 2018), Trump's goal is to reduce Russia's role in Syria. From: <http://www.irna.ir/fa/News/82880894>.
 43. Islamic Republic News Agency (31 March 2017), Assad's outgoing is no longer the top priority of the US government. From: <http://www.irna.ir/fa/News/82478223>.
 44. Karimifard, Hossein (Autumn 2018), Foreign policy of Trump and the facts of the international system, The Quarterly Journal of Strategic Policy Studies of Public Policy, Article 14 , Volume 8, Issue **[In Persian]**.

45. Kerjan, Mohammad Sharif (November 9, 2018), What would be the determination of a cash prize for the top three PKK leaders to be arrested by the United States for the region? Kurdpress New Service. From: <http://kurdpress.com/details.aspx?id=45251>
46. Kirby, Jen (26 September 2018), Trump's UN speech: America First with a side of patriotic word salad, Available at: <https://www.vox.com/2018/9/25/17900914/un-general-assembly-trump-speech>.
47. Loen, Pol (9 November 2018), The PKK is abandoning Turkey and sticking to Syria and Iraq, Kurdpress New Service. From: <http://kurdpress.com/details.aspx?id=45273>.
48. Lund, Aron (Jan. 22, 2016), Origins of the Syrian Democratic Forces: A Primer. Available at: <https://www.newsdeeply.com/syria/articles/2016/01/22/origins-of-the-syrian-democratic-forces-a-primer/>.
49. Lund, Aron (JUNE 20, 2016), the Algerian Connection: Will Turkey Change Its Syria Policy? Carnegie Endowment for International Peace. Available at: <http://carnegieendowment.org/syriaincrisis/63847>.
50. Masters, Jonathan (February 26, 2018), Russia, Trump, and the 2016 U.S. Election, the Council on Foreign Relations. Available at: <https://www.cfr.org/background/russia-trump-and-2016-us-election>.
51. Mosavi Khalkhali, Ali (2 May 2017), Erdogan dream on Tramp's support for confronting Iran and the Kurds, Iranian Diplomacy. From: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1968727> **[In Persian]**.
52. Mossalanejad, Abbas (2018), The Middle East Security and Donald Trump's Grand, Geopolitics Quarterly, Volume: 13, No 4 **[In Persian]**.
53. Mossallanejed, A .2017. Trumps Middle East policy making and the Future of security ." Geopolitics Quarterly, volume. 12, No. 4 , Winte **[In Persian]**.
54. Purcell, Jacob (March 1, 2016). Will Turkey and Saudi Arabia intervene in Syria? Available at: <http://globalriskinsights.com/2016/03/will-turkey-and-saudi-arabia-intervene-in-syria>.
55. Reuters (19 August 2018), Iraqi Supreme Court ratifies May election results, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iraq-election/iraqi-supreme-court-ratifies-may-election-results-iduskcn1140cs>.
56. Sajedi, Amir (Winter 2013), Trump Middle East Policy; Syria Crisis Case Study and US Missile Attack, International Relations Studies Quarterly, Volume 10, Issue 40 **[In Persian]**.
57. Salimi, Arman and Valadbaigi, Aram (November 11, 2015), Developing the military capability of the Syrian Kurds and Turkey's concerns to create a secure area, The Voice of Kurdistan newspaper, Volume 1, No.1 **[In Persian]**.
58. Schake, Kori (16 Apr 2018), Trump's Syria Strategy Actually Makes Sense,

- Available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/04/trump-syria/558077>.
59. Sedivy, Jivi (2004) Book Review of “Regions and Powers: The Structure of International Security by Barry Buzan and Ole Waever”, *Journal of International Relations and Development*, Vol. 7.
 60. Sherma, Ryne A (17 Sep 2015), The Personality of Donald Trump, Available at: <https://www.psychologytoday.com/us/blog/the-situation-lab/201509/the-personality-donald-trump>.
 61. Soleimanzadeh, Saeed; Omidi, Ali and Barati, Sahar (Autumn 2018), Tramp's foreign policy strategy: neuroticism-realism hybrid, *The Quarterly Journal of Strategic Policy Studies of Public Policy*, Volume 8, Issue 28 **[In Persian]**.
 62. Talebirani, Rouhollah, Zarinenerges, Yahya (Summer 2016), The emergence of ISIL and the transformation of the behavior of the Kurds (Syria and Iraq), *Quarterly journal of political researches of the Islamic world*, Year 6, Number 2 (19)**[In Persian]**.
 63. Theguardian (14 apr 2018), Syria: US, UK and France launch strikes in response to chemical attack, Available at: <https://www.theguardian.com/world/syria-air-strikes-us-uk-and-france-launch-attack-on-assad-regime>.
 64. Torabi, Ghasem (2013), Review: US Challenges in the Greater Middle East, *Obama Administration Policies, Regional Studies: Israeli-American Studies*, No. 1 **[In Persian]**.
 65. Walt, Stephen M (14 November 2016), Could There Be a Peace of Trumphalia?, Available at: <https://foreignpolicy.com/2016/11/14/could-there-be-a-peace-of-trumphalia/>.
 66. Walt, Stephen M. (1992), "The Renaissance of Security Studies", *International Studies Quarterly*, Vol.35, 45-61.
 67. Ward, Alex (9 Oct 2018), Trump's trade war is hurting the global economy, Available at: <https://www.vox.com/2018/10/9/17955106/imf-economy-trump-trade-war-growth>.
 68. Yazdan Fam, Mahmud (Winter 2016), Foreign Policy of Tramp and the Islamic Republic of Iran, *Strategic Studies Quarterly*, Article 6 , Volume 19, Issue 74 **[In Persian]**.
 69. Zarrinnarges, Yahya (September 26, 2015), Kobani: One Year after Resistance (Part One; Internal Reading). Alwaght. From: <http://alwaght.com/fa/News/18201>